

دیگر رسانه ها

### چگونه پیوستن ناگلزمان به بایرن، بیهودگی فوتبال مدرن را عیان می کند

بولیان ناگلزمان ۳۳ ساله است. تابستان امسال سرنوشتی که همیشه بیش بینی می شد، برایش رقم می خورد و سرمربی بایرن مونیخ خواهد شد؛ باشگاهی که او در کودکی در «لاندزیسگام لخ»، اگر شهری کوچک در باواریا که نیروی هوایی آمریکا در آن پایگاه داشت، هوادارش بود. این تقریباً یک داستان بریان است: یک فوئبالیست حرفه‌ای جوان که از مصدومیت زانو رنج می برد، به مربیگری روی می آورد و به عنوان درخشان ترین استعداد مکتب فوئبال آلمان خود را معرفی می کند اما اینجا داستان واقعی می شود؛ اینجا جایی است که او باید برنده شود.

ناگلزمان با مشکل مشترک همه مربی های بایرن (بی‌اوتنوس و یاری سن زرم) روبه رو خواهد شد؛ اینکه لیگ داخلی یک چالش محسوب نمی شود. باین این فصل نهمین قهرمانی پیاپی خود را جشن می آورد و به عنوان درخشان ترین مؤسسه حسابرسی و پژوهشی دلویت (Deloitte) نشان می دهد درآمد سالانه آنها ۷۳ درصد بیشتر از دومین تیم ثروتمند آلمان یعنی بایرسدادر تومنود است.

در این میان از هم بایسیدن پروژه سوپرلیگ باعث شد که فوتبال آلمان به دلیل مدل مدیریتی ۵۰+ که خواست و نظر هواداران را در اداره باشگاه تضمین می کند، مورد تحسین بیشتری قرار گیرد. حداقل از لحاظ تنوری لایبریش نشان داده است که قوانین نا چه حد گسترده‌ای قابل تفسیر هستند. هر چند که اختلاف طبقاتی در فوتبال آلمان به اندازه کشورهای دیگر شدید است و پیش از شیوع همه گیری کرونا هم بنرهایی در ورزشگاه ها وجود داشت - از جمله از طرف هواداران افراطی بایرن- که به نحوه توزیع منابع مالی اعتراض داشتند. مدل مدیریت آلمانی دارای مزایایی است اما نباید اینگونه تصور شود که مدل اصلاح نشده آن، نوشارویی برای همه است.

اگر ناگلزمان قرارداد ۵ ساله اش با بایرن را به پایان برساند (در حالی که پس از جدایی اوتسار هیتسفلد در سال ۲۰۰۴ تنها یک گواردیو له سه فصل متوالی را در بایرن مونیخ پشت سر گذاشته است)، انتظار می رود که ۵ قهرمانی بوندس لیگا را به دست آورد. جایی که او مورد قضاوت قرار می گیرد، رقابت های اروپایی است، براساس چندین بازی در مرحله حذفی - و اگر تنها از مرحله گروهی صعود کند، افتخار بزرگی برای یک ابر باشگاه محسوب نمی شود؛ بنابراین باید منتظر ماند تا در سال ۲۰۲۴ سیستم سوویسی چمپیونزلیگ معرفی شود.

هر چه یک باشگاه قدرتمندتر و برتر باشد، انتظار موفقیت از آنها نیز بیشتر است. ارزیابی ارزشمندی مربیان، به لحظات و تصمیمات فردی در یک یادوبازی بزرگ اروپایی در هر فصل بستگی دارد. سال گذشته در فینال لیگ قهرمانان اروپا بایرن با نتیجه ۱- صفر یاری سن زرم را شکست داد و پس از آن هانسی فلیک به عنوان یک نابغه معرفی شد، امسال آنها در مرحله یک چهارم نهایی و با قانون گل زده در خانه حریف از یاریس باختند و حذف شدند و در این میان به نظر می رسد کسی نگران تصمیم فلیک مبنی بر جدایی از این تیم نیست- هر چند که اذهان عمومی در کشمکش او با مدیر ورزشی باشگاه، حسن صالح حمیدزیج، حق را به او می دادند. این واقعا مضحک است - چه می شد اگر روبرت لواندوفسکی مصدوم نمی شد؟ چه می شد اگر نویر در صحنه گل اول بی اس جی پاهی خود را به هم کره نمی زد؟ چه می شد اگر ضربه سراریک چوپو مونینگ به تیر اصابت نمی کرد و وارد دروازه می شد؟ - اما این موضوع پیچیدگی و جذابیت

بیشتری به هراتصافی اضافه می کند.

پیروزی در بازی های بزرگ، حفظ آرامش تحت فشار، قراردادن بازیکنان در چارچوب ذهنی مناسب و استفاده از موقعیت ها خود یک مهارت است. اگر تردیدی در مورد ناگلزمان باشد، این است که معمولا تیم های او در بازی های مهم لیگ قهرمانان اروپا عملکرد خوبی ارائه نمی دهند.

البته باید تأیید کرد که نمونه آماری مابسیار کوچک است و باید این را هم تأیید کرد که معمولا تیم های ناگلزمان به عنوان تیم ضعیف تر یا به آن بازی های بزرگ گذاشته اند. این یک نگرانی جزئی است و نه یک علامت سؤال غیر قابل حذف. در اگوست ۲۰۱۷ هوفنهایم تحت هدایت اودر بلی آف لیگ قهرمانان با لیورپول کلوپ روبه رو شد. در بازی را مقابل جذاب بین دونمانده برجسته از مکتب پرسینگ فوتبال آلمان می دانستند. لیورپول بازی را رابا نتایج نزدیک ۲-۱ و ۲-۰ پیروز شد و به وضوح برتر بود.

این اتفاق در نیمه نهایی فصل پیش لیگ قهرمانان نیز رخ داد. لایبریش به راحتی از سد تاتنام والتیکو ما رید گذشت؛ بنابراین شاید این نظرات غیرمنصفانه باشد اما به نظر می رسد در بازی نیمه نهایی برابر بایرس پیش از حد از حریف ترسیده بودند. آنها تلاش چندانی در تحمیل بازی خود به حریف نداشتند و بازی همیشگی این تیم که مبتنی بر پرسینگ است نیز کارایی نداشت. آبا این اتفاق به دلیل اضطراب ناشی از قرار گرفتن در یک موقعیت بزرگ بود؟ یا ناگلزمان توانسته بود در روش خود برای مهاارمابیه، نیمار و دی ماریا تغییراتی ایجاد

خیلی راحت است که به دلیل احتیاط بیش از حد او را سرزنش کرد اما تنها دو ماه بعد، آنها در بازی برابر منچستر یونایتد در اولد ترافورد از سیستم پرسینگ استفاده کردند و ۵- صفر شکست خوردند. این همیشه یک معضل برای تیم هایی است که از پرسینگ شدید استفاده می کنند. بالا بازی کردن، در اصطلاح، یک قمار محسوب می شود.

تیم های مبتنی بر پرسینگ، در مقابل یک حریف قدرتمند، به جای تغییر دادن سبک بازی شان و روی آوردن به تاکتیک هایی که از لحاظ تنوری کمی محافظه کارانه تر هستند، باید همان بازی همیشگی خود را با ریسک باین تر ارائه دهند.

این دقیقا مشکلی است که گواردیو با رها بیان در مراحل پایانی لیگ قهرمانان اروپا مواجه شده است و وقتی یواخیم لئو تصمیم گرفت بعد از جام جهانی ۲۰۱۴ سیستم مبتنی بر ضد حمله آلمان را به یک فوتبال تهاجمی تر تغییر دهد، گریانگیر آلمان نیز شده است. (حتی احتمالا از یورو ۲۰۱۲) در بازی خانگی در مرحله گروهی برابر یونایتد، علی رغم تزلزل در دقیق پایانی و هر دو بازی رفت و برگشت برابر یاری سن زرم، نشانه های امیدوارکننده ای برای لایبریش وجود داشت اما آنها در بازی مرحله یک شانزدهم برابر لیورپول عملکرد ضعیفی داشتند که باعث شد شک و تردیدها همچنان باقی بمانند. البته باید به این نکته اشاره کرد که سه بازی در مرحله حذفی و یک بازی گروهی دلایل زیادی برای ارزیابی یک تیم نیست اما این مسخره بودن فوتبال مدرن است؛ برای باین در طول فصل تنها چند بازی، رقابت تلقی می شوند. دقیقا همان بازی هایی که ناگلزمان هنوز نتوانسته خود را در آنها تثبیت کند.

(خلاصه مطلبی که بیش تر در سایت هفت یک منتشر شده است)

# ایران ورزش

روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیر مسئول: علی عالی ● تلفن: ۰۲۱۱۳۰۴۱۳۳-۸۸۵۰ ● نمابر: ۰۲۱۱۱۷۳۳۸۴۲ ● سازمان آگهی ها: ۰۱۳۰۰-۸۸۵۰۱۳۰۰ ● انتشارات: ۰۵۵۴۸۸۹۲-۸۸۵۴۸۸۰۰ ● امور مشترکین: ۰۰۰۸۸۷۴۸۸۰۰-۸۸۵۲۱۹۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ ● چاپ: ایرانیان




@iranvarzeshi

شبه شنبه ۴ خرداد ۱۴۰۰ - شماره ۶۷۶۸

WWW.INN.IR

info@inn.ir

عکس روز

## جام لیگ برتر



خیلی ها اعتقاد دارند جام لیگ برتر از همه جام های باشگاهی شکل تر است. یک ابهت خاصی دارد. یک وقار و اصالت بی مثال. انگار واقعا مشخص می کند به دست آوردنش چقدر سخت است. تاج طلایی اش به اندازه بسیار مناسبی لوکس است. نه کم نه زیاد. درخشندگی اش واقعا فریبنده است و خب امسال دوباره به دست بازیکنان منچستر سیتی رسیده. آنها در ۹ سال اخیر ۶ بار به این جام رسیده اند. خیره کننده است!

کاریکاتور



میلان بالاخره به لیگ قهرمانان صعود کرد. بامشقت فراوان و درواز آخر آنها هفته ها در صدر بودند و حتی برخی از هواداران خوش بین شان رؤیای قهرمانی در سری پروراندند ولی تاحظه آخر مشخص نبود که در جمع ۴ تیم پایانی لیگ رابه اتمام می رسانند یا نه. در این بین فرانک کسیه در خط هافبک نقش بسزایی در این پیروزی داشت.

در چنین روزی

۴ خرداد ۱۳۸۱

### چه کسی نخستین قهرمان لیگ برتر می شود؟

نخستین دوره رقابت های فوتبال لیگ برتر باشگاه های ایران روز سه شنبه هفته جاری به کار خود پایان می دهد تا چهره قهرمان مشخص شود. در فاصله یک هفته به پایان این رقابت ها، تیم استقلال یا ۴۸ امتیاز صدر نشین است و پرسپولیس با ۴۶ امتیاز در مکان دوم جدول رده بندی قرار دارد. استقلال روز سه شنبه در اثرلی سا علوان پیگار می کند و پرسپولیس خبرنگار ایرنا، دیدگاه های خود را در خصوص پیگارهای آخرین روز بیان کردند. بروین گفت: «پرسپولیس در شرایطی به مصاف فجر سپاسی می رود که چند بازیکن مصدوم مثل حمید استبلی، اسماعیل حلائی، سهراب انتظاری و دادو فانیی دارد. البته رضا جیاری تا حدودی از آسیب دیدگی رهایی یافته و ممکن است به بازی حساس روز سه شنبه برسد.»

وی در پایان گفت: «ما را می به غیر از پیروزی بر حریف نداریم و برای این دیدار برنامه ریزی کرده ایم.» منصور پورحیدری گفت: «در دیدار سه شنبه، نباید به اما و اگرها دلخوش کنیم بلکه باید تکلیف خود را به دست خودمان روشن کنیم.»

وی افزود: «احمد مؤمن زاده، محمد خرماگو و سهراب بختیاری زاده دو خاطره هستند اما مصدومیت مهدی هاشمی نسب بهتر شده و احتمال دارد ایسن بازیکن به دیدار با ملوان برسد.»

سرمی استقلال در پایان گفت: «ما برای قهرمانی، محکوم به پیروزی هستیم و باید هرچه در توان داریم در ورزشگاه تختی اثرلی به نمایش بگذاریم تا به سه امتیاز لازم برسیم.» (ایران ورزشی: در پایان این تیم پرسپولیس بود که موفق به قهرمانی شد)

بنالتی

منازیکارکاتن

### ماشین سازی تعطیل شدنی وتمام شدنی نیست

ماشین سازی اگرچه نمی تواند چندان به بقا امیدوار باشد اما زندگی و حیات این باشگاه ربطی به حضورش در لیگ برتر ندارد.

ازسال ۱۳۴۷ تا امروز، ماشین سازی زنده است ودر هیچ کس از جمله مالکان غیرشفاف این تیم طی این سالها توان نابودی ماشین سازی نبود و نیست و این فقط یک دلیل دارد: ماشین سازی در قلب شهروندان تهریزی زنده است و آن را متعلق به خودشان می دانندو از خواستن تیم شان دست نمی کشند.

مالکات ماشین سازی می تواند دست به دست شود، اهداف مالکان می تواند غیرشفاف و عجیب و غریب باشد اما ماشین سازی مالکان واقعی تری دارد که با اتکا به آنها حیایش در قلب دوستدارانش ادامه خواهد داشت.

اگرچه ماشین سازی هنوز این شانس را دارد که در لیگ برتر ریماند اما شیو مدیری ت بر این باشگاه امیدی باقی نگذاشته است. اگر حتی صعود ماشین سازی را قطعی هم بدانند، باز هم این تیم با سقوط نه تعطیل شدنی است و نه تعلق خاطر به آن پایان می یابد.

برای آینده ماشین سازی باید فکری کرد و باید چاره های یافت که ماشین سازی آینده اش را دوباره بسازد و همچنان باشگاهی باشد که از روزهای ورزشی تهریزی ها در آن جستجو شود.

با ماشین سازی بخصوص در همین فصل جاری هر چه خواستند کردند. از این باشگاه یک نام باقی گذاشتند و آن را به فجر جدول لیگ برتر فرستادند و واگذارش کردند اما این ماشین های مالکان نیست و دوباره راه خود را پیدای می کند.

تیریزی ها از ده چهل تا امروز ماشین و تراکتور را زنده نگه داشته اند، با هم رقابت کرده اند و اذل این رقابت، فوتبال تیریز رشد کرده و ستاره های پرشماري ساخته است اما این ماشین سازی با این سباقی مدیریت اخیرش نمی تواند تیمی موفق باشد یا نسل تازه ای را بسازد.

ماشین سازی باید از مخصصه این بی تعهدی ها بیرون بیاید و دوباره بدرخشد و پویایی و سرزندگی را به فوتبال تیریز برزگرداند. ماشین سازی را نباید به نیم ضعیف تر و نیم دوم تبدیل کرد. معنای رقابت در این تیم نباید با مالکیت مشترک با تراکتور، خدشه دار می شود.

اما هر چه هست، ماشین سازی در گذر این روزها دوباره راه خود را پیدا می کند و زنده خواهد ماند، همانطور که طی دهه ها به فوتبالست های تیریزی زندگی بخشیده است.

**برای آینده ماشین سازی باید فکری کرد و باید چاره ای یافت که ماشین سازی آینده اش را دوباره بسازد و همچنان باشگاهی باشد که آرزوهای ورزشی تیریزی هادر آن جستجو شود**



میباد نیک



**ماشین در فصل جاری بارها و بارها دست به دست شده. آنتندر که حساب تعداد تغییرات روی نیمکت این تیم از دست همه در رفته. سعید اخباری اما دیر باترین گزین روی نیمکت ماشین بود که در نند یاد حوادث مقاومت کرد؛ از کمک مربیگری شروع کرد، بعد سرمربی شد، رفت و برگشت، چند هفته دیگه بود و دوباره جدا شد. همین رفت و برگشت های اخباری و سرنوشت عجیب او روی نیمکت ماشین آینه نمای تمام فدی از مشکلات این تیم است. تیمی که هیچ کجا رنگ ثبات و آرامش را به خود ندیده؛ از مالکیت گرفته تا مدیر عامل و البته سرمربی**

ادامه حیات خود ناتوان ماندند و با حضور افراد غیر متخصص بر رأس سکان امور روزهای نوستالژیک در غربی ترین نقاط ایران؛ فراموشی از یادها را تنها طی چند سال کوتاه مکرراً تجربه کردند.

همین حالا هم اما برای گرفتن ماهی از آب دیر نیست و قرار نیست که دریا بخشد. چند باشگاه بزرگ تا ورطه نابودی کشیده شدند و جندتایی هم به عدم پیوستند اما قهرمان زنده را عشق است. هنوز هم چندین و چند باشگاه مهم دیگر با قوی مانده که باید با نگاه حمایتی از سوی دولت و دستگاه های مرتبط، از زیر یوغ تصمیمات غلط مدیران فردگرا بیرون بیایند و با استفاده از ابزار کار صحیح، به جاده موفقیت بازگردند.



ماهی را از آب بگیری

## نا آرامی «مطلق»

شود.

در شرایطی که دو باشگاه بزرگ و پر طرفدار تراکتور و ماشین سازی بیش از این تحت تملک یکی از نهادهای نظامی و یکی از نهادهای دولتی در تیریز بودند، حضور یک چهره متمول و اقتصادی

توده بدخیم سوء مدیریت در فوتبال باشگاهی که تخم لق آن طی دوره های اخیر مدیریت بنا نهاده شد و به سرعت عجبی هم بین باشگاه های لیگ برتری و دسته های پایین تر رواج پیدا کرد، حالا همانند سطرانی نهاد های نظامی و تمامیات کشنده شده که هر آن موجودیت و تمامیات فوتبال شان را به تهدیداتی جدی مواجه می کند.

ماجرای انحلال، واگذاری و یا هر چه اسمش هست که این روزها بر آسمان فوتبال تیریز سایه افکنده، استمرار همان نگرش متفعلانه و توتالیتر ساختاری است که به لیگ برتر هم تسری یافته.

فوتبال تیریز تا پیش از حضور فردی اصطلاحاً اقتصادی در آرامش مطلق به سر می برد اما تا وقتی سروکله مالک ابرهودلنگ های آذربایجانی پیدا شد، پس از یک مدت ماه عسل کوتاه نوبت به خزان رسید تا باریشه ترین تیم شمال غرب فوتبال ایران و یکی از مردهی ترین رنگ های فوتبال در تیریز، در برنگ عدم و در آستانه فروپاشی دست و پنجه نرم کند.

مالکیت یک شخصیت حقیقی بر دو باشگاه کاملاً متفک از یکدیگر شاید فقط و فقط در فوتبال ایران ممکن به وقوع باشد.

مالک متمول هولدینگ ها و ایرلاین های تیریزی که علاقه شدیدی به معروف شدن هم دارد، با در دست گرفتن مالکیت باشگاه قدیمی ماشین سازی تنها به شوق های بیشتر و البته قطع عید سایرین از فوتبال استان آذربایجان شرقی می اندیشید اما حتی شاید به تار یک ترین پستوهای ذهنش هم خطور نمی کرد که این عطش دیده شدن و این تشنگی توجه، روزی به قیمت تمام آبرویش چندین و چند ساله اش ختم شود و رویاهای بلند پروازانه اش به عدم ختم



سام سنازاده

ماشین سبز، سیاه شد

### غرق ده در گرداب بی ثباتی

که کورسوی امید برای عدم سقوط تیم دوست داشتنی تیریزی به لیگ آزادگان را به اندازه یک باریکه تنگ ساخته.

آنچه نگاه مالکیت سابق به باشگاه ماشین سازی به عنوان تیم دوم به ارغان آورده، مجموعه ای بدون برنامه و هدف گذاری است که دومر تبه در طول فصل جاری، به علت عدم دریافت حمایت از سوی هیأت فوتبال آذربایجان شرقی، تمام فعالیت های خود را به حالت تعلیق در آورد و حتی در آستانه انصراف در میانه لیگ نیز قرار گرفت. بهمن سالاری، مهاجم سبزه های تیریز، بهترین توصیف را در مورد تیم خود ارائه داده: تیمی که بیش از آن که مشکل فنی داشته باشد، روحش خراب است.

مالک جدید باشگاه، یونس قربانی، فردی با سابقه ورزشی و تحصیلات عالی دانشگاهی در حوزه تربیت بدنی است. تخصص وی می تواند در دراز مدت صلابت از دست رفته ماشین سازی را به این تیم بازگرداند اما تحت هر شرایطی و با هر مالک و مدیری، اولویت برای شاگردان علیرضا اکبرپور، تلاشی متعصبانه برای آزمون بخت بقایشان در لیگ است.

به نظر سرنوشت ماشین سازی بهترین مثال

برای نشان دادن کیفیت لیگ برتر ایران است. لیگی که امسال بیست ساله شده و بیست سال از دوران حرفه ای شدنش می گذرد اما حتی در بیست و سه سال برگزاری اش هم ممکن است تیمی از میانه مسابقات ماشین سازی رقابت ها را از کوک کند. گویی لیگ محلی بین چند روستا در حال برگزاری است نه مهم ترین و سطح بالاترین رقابت فوتوالی یک کشور که خودش را یکی از اقطاب فوتبال آسیا می داند.

در هفته گذشته یاز دیگر باشگاه ماشین سازی واگذار شد. اینکه می گویم باشگاه ماشین سازی هم داستانی دارد. باشگاهی اسم ماشین سازی به عنوان قدیمی ترین باشگاه شمال غرب کشور را بدست می کشد و در کابید همان گسترش فولاد زنوزی است. این هم از همان داستان های خند ده فوتبال ایران است. تیم های سقوط کرده ای که می توانند امتیاز و نام و هویت را بخرند و یک شبه ره صد ساله طی کنند. چیزی به اسم هویت باشگاه و سرمایه مردمی وجود ندارد و این چنین است که هویت یک تیم ریشه دار مثل ماشین سازی به بازی گرفته می شود. مدیریت عجیب در تراکتور و ماشین سازی اعتراضات فراوان موجب شد تا نهایتاً به صورت صوری مدیریت این باشگاه واگذار شود اما بعدها وقتی زنوزی در تراکتور به مشکل خورد، به این